

معلمان عزیز باید جوانان را بسازند، باید نوجوانان را با روحیه کار، استقلال و علم طلبی پرورش دهید نه با روحیه مدرک طلبی



آموزش کوپنی، خوب یا بد؟

پشتهای، مدارس تقاضامحور، مدارس حمایتی در ایران هم مطرح بوده و به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز راه یافته است. مدارس کوپنی به مثابه سازوکاری برای گسترش مدارس خصوصی عمل کرده‌اند و بر خلاف ادعاهای اولیه، تأثیری بر بهبود کیفیت مدارس عمومی نداشته‌اند و حتی به افت کیفیت این مدارس انجامیده اند. این کوپن‌ها به خروج دانش‌آموزان با معدل بالاتر و دانش‌آموزان طبقه متوسط به بالا از مدارس عمومی به مدارس خصوصی منجر می‌شوند.

به تعبیری بیش از آن که دانش‌آموزان مدرسه را انتخاب کنند، این مدارس هستند که به فیلتر دانش‌آموزان می‌پردازند و در این فرآیند بهبود کیفیت مدارس خصوصی هم بیش از آن که ناشی از بهره‌وری آموزشی باشد، ناشی از جذب دانش‌آموزان خوب مدارس عمومی است. این کوپن‌ها بیش از آن که رقابت را بین مدارس تقویت کنند، به رفتار رانت جوینان دامن زده‌اند. (۳)

مدارس کوپنی، ایده‌ای بود که اولین بار توسط میلتن فریدمن مطرح شده؛ اما پیش از آمریکا این پی‌نوشه بود که پس از کودتای نظامی در شیلی، این ایده را به طور گسترده به کار گرفت.

شیوه اجرای ایده‌ی مدارس کوپنی به این صورت است که دولت به جای دادن بودجه به آموزش و پرورش، آن را به صورت کوپن در اختیار خانواده‌های دارای دانش‌آموز قرار می‌دهد تا آن‌ها بتوانند مدرسه دلخواه خود را انتخاب کنند. ادعا این است که این سازوکار از یک سو قدرت انتخاب خانواده‌ها را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر به ایجاد رقابت کیفی بین مدارس می‌انجامد. مدارس با کیفیت‌تر می‌توانند برای خود شهریه‌هایی بالاتر از رقم کوپن‌های توزیعی تعیین کنند و خانواده‌ها در صورت انتخاب این مدارس باید مابه‌تفاوت قیمت را از جیب بپردازند. طی دو دهه اخیر ایده مدارس

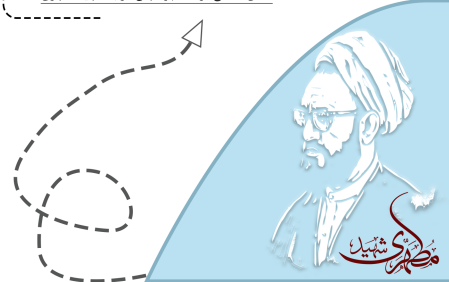
فضای مدرسه و کلاس به من این فرصت را داد تا با دانش‌آموزان مختلفی مواجه شوم و در موقعیت‌های حساسی قرار بگیرم که باید برای حل مسائل کلاس خود تصمیم‌های مهمی می‌گرفتم. تصمیم‌گیری برای تربیت یا تصمیم‌گیری برای تعلیم؟ منظورم از تعلیم، آموزش تک‌بعدی است. من تصمیم گرفتم تا تربیت تمام ساحتی را تا جایی که می‌توانم در کلاس خود پیاده کنم.

این‌گونه بود که به تعادل و توازن بسیار خوبی در کلاس خود رسیدم و دانش‌آموزان خود را در موقعیت‌های مختلف تربیتی قرار دادم. معلمی که بدون توجه به ساحت‌های تربیت به دنبال تربیت دانش‌آموزان خود باشد قطعاً مسیر اشتباهی را می‌رود. زیرا خداوند در وجود هر انسان، توانایی‌ها و استعدادهای گوناگونی قرار داده است که معلم با تربیت می‌تواند او را به سوی کمال خود هدایت کند و مسیرش را هموار سازد. (۱)



وقت آن است که غرب مانند همه زمان‌های دیگر با همه تقدیمی که در علوم و صنایع دارد فلسفه زندگی را از شرق بیاموزد

اخلاقی جنسی در اسلام و جهان غرب / شهید مطهری



کثیر؟

همه این موارد در گرو انجام این چهار مورد می‌باشد. اگر بتوانیم این چهار کار مهم را انجام دهیم معلمین به خصوص آموزگاران می‌توانند تاثیر فوق العاده مهمی را بر محیط اطراف خود بگذارند و خود را به عنوان الگوی جامعه معرفی کنند و دیواره شان و منزلت تزل یافته خود را ارتقا دهند.

ابتدا باید نوع نگاه ما به معلمی تغییر کند و وظیفه معلمی خود را در کلاس جا نگذاریم و در جامعه هم به‌عنوان معلم ظاهر شویم؛ اما نه به عنوان برگزارکننده کلاس خصوصی برای دانش‌آموزان بلکه خودمان را به عنوان الگوی جامعه بشناسیم و به معلم بودن خودمان افتخار کنیم و هر کسی پرسید شغل چیست با افتخار بگوییم معلم. تا دیگران هم به ما افتخار کنند و اهمیت دهند.

مرگ معلم

امروزه از جنبش‌ها و اعتراضات معلمی زیاد می‌شنویم. ولی در این بین، جایگاه معلمی را باختیم، عزت و احترام خود را فدای پول‌هایی کرده‌ایم که هر روز بیشتر چاپ می‌شود و قطره‌ای از آن به ما نمی‌رسد. این‌که این عدالت هست یا نه، حرف امروز من نیست؛ بلکه می‌خواهم مرحمی بر این درد بگذارم و نشان بدهم که استادی جایگاهی غیرمادی نیز دارد که تو را می‌تواند در تاریخ و در یک قاب ثبت کند. برویم به ۳۹۹ سال قبل از میلاد مسیح؛ روز ۱۵ فوریه، شهر آتن یکی از تاثیرگذارترین مرگ‌های تاریخ فلسفه؛

را گسترش دهیم و گسترده کنیم، آن‌وقت است که می‌توانیم ابتدا خودمان و سپس جامعه را تغییر دهیم و به عنوان الگوی جامعه معرفی شویم.

و در آخر این نکته مهم را رعایت کنیم: خودمان شخصیت خودمان را در تخریب نکنیم! هر جایی و پیش هر کسی از مشکلاتمان صحبت نکنیم. اگر با سبلی صورتمان را سرخ نگه می‌داریم، به نامحرمین بگوییم پیش دانش‌آموزان و والدینشان از سختی معیشتی صحبت نکنیم. چون بیان‌کردن این موارد به آنان مشکلی را حل نمی‌کند؛ فقط شخصیت خودمان را کوچک و تخریب می‌کنیم و در نتیجه آن اثر گذاری ما کاهش پیدا خواهد کرد.

(۲)

مرگ سقراط. مرگی که به‌خاطر ایستادن در برابر جاهلیت بود و دلیل محاکمه ناراحتی اشراف از سوال پرسیدن جوانان بیدار یا نیمه‌بیدار آتن. جنبش عدالت‌خواهی که آخرین سخنان سقراط جام زهر بدست رانداخت و در قلب دانش‌آموزانش که هر کدام استادانی بزرگ در فلسفه بودند فرو رفت تا این که به ۶۵ سال پس از میلاد مسیح فردی به نام سنکا خود را در مرگ مقلد سقراط ببیند. سنکا در زندگی رویه سقراطی که از اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی دوری می‌کرد را دنبال نمی‌کرد. به این اعتقاد بود که من در این دنیاام و منابعی در دست

تواناست با استفاده از قوای منطقی، باقی آن فیلسوف را استفاده کرده و بیان کند. اما با تمام این پیچیدگی‌های فکری و عقلی، بسیار ساده‌گو بود و این ویژگی او، به شدت قابل تحسین است.

در اصل، او در یک کنج‌کاری علمی به سر می‌برد که باعث شد تا آخرین لحظات عمر پریار خود، دست از مطالعه، پژوهش و تفکر بر ندارد. در اصل از فلسفه‌ی اسلامی و غربی لبریز بود؛ در تاریخ اسلام نمونه بود و دست از تلاش برای فهم بیشتر و درک عمیق‌تر بر نمی‌داشت و این شاخصه قابل ستایش است.

در تمام آثارش، ردپای عمیق وجود دارد؛ از عشق جیش به اسلام و مسلمین. این عشق عمیق او باعث شد که کتب فراوانی درباره‌ی اسلام و ارزش‌های اسلامی بنویسد و ساعت‌های متمادی از سخنران‌ها به یادگار بگذارد که حجم انبوهی از آن مکتوب شده و به کتاب تبدیل گشته‌است. در اصل او از ابتدای عمرش، خود را وقف اسلام کرد و در آخر، برای اسلام و مسلمین جان داد و فدا شد. (۵)



مدیر مسئول: عرفات قاسمی قاسوندد
برویدر: محسن محمدی
هیأت تحریریه:
(۱) محمد علی صالحی
(۲) محمد رفیق دوست
(۳) حسن کریمی زائد

(۴) رضا کیات پور
(۵) احمد رضا مرادی
(۶) ابوالحسن نجاریات
(۷) حسن آراموت
گرافیک و صفحه‌آرایی: رضا کیات پور
ویراستار: علی شهبازی

راه‌های ارتباطی:
@rasam_bfui

افرادی که تابه‌حال چهره‌ای از آن‌ها ندیده‌ای نیز به چشم بروی. عزت و منزلت در درک این مهم و قبول کردن بار این مسئولیت است که بدقهیمی و یا کج فقهی شنونده‌ات سرت را می‌تواند بر باد دهد. (۷)